

معانی طرب

الف) طرب به معنای فرح یا شدت فرح است.

ب) طرب به معنای حالت خفتی است که در انسان از فرح یا از حزن حاصل می شود. انسان وقتی خرسند و خوشحال می شود، یک حالت سبکی و خفتی در خود احساس می کند. عین همین خفت در حالت حزن هم هست. وقتی انسان از یک حادثه ای غمگین می شود، یک حالت خاصی، از قبیل بی تابی و ناآرامی در خود احساس می کند؛ به این حالت خفت و ناآرامی طرب می گویند.

در معنای اول، طرب، مخصوص فرح است، اما بنا بر معنای دوم، مشترک بین فرح و حزن است.

ج) طرب، آن خفتی است که در روح حاصل می شود. البته نه هر خفتی، بلکه آن حالت اوج ناآرامی و بی قراری را طرب می گویند؛ خواه این بی قراری ناشی از فرح باشد یا ناشی از حزن. (مکاسب محرمه، ج ۲۸۱، ص ۳)

مفهوم غناء متقوم به اطراب به معنای طرب انگیز بودن نیست. چه طرب به معنای خصوص فرح و چه اعم از فرح و حزن یا به معنای حالت بی قراری و بی تابی باشد؛ بر آوازخوانی غناء صدق می کند، اعم از اینکه مطرب باشد یا مطرب نباشد. (مکاسب محرمه، ج ۲۸۳، ص ۴)

گاهی غنا و آوازخوانی اطراب شأنی دارد، و گاهی ندارد. در مورد اطراب فعلی نیز واضح است که خیلی از موارد اصلاً طربی به وجود نمی آورد. بسیاری از آوازه ها که انسان برای خودش می خواند، نه در خود او و نه در دیگری هیچ طربی ایجاد نمی کند. اطراب شأنی هم ایجاد نمی کند، خیلی از انواع خواندن ها هست که ممکن است در دل اثر گذارد و انسان خوشش بیاید، اما این خوش آمدن غیر از آن خفتی است که در اثر شدت فرح یا حزن ایجاد می شود. پس با اینکه غنای عرفی بر آن صدق می کند، این حالت اطراب در آن نیست. (مکاسب محرمه، ج ۲۸۱، ص ۵)